



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: نکاح

تاریخ: ۹ آبان ۱۴۰۰

موضوع جزئی: مسئله ۲۶ - فرع دوم: پوشش زن در برابر صبی ممیز - ادله عدم لزوم و بررسی آنها -

مصادف با: ۲۴ ربیع الاول ۱۴۴۳

دلیل دوم - بررسی تعارض بین دو آیه و وجوه جمع بین آنها - حق در مسأله - بررسی تفصیل امام(ره) بین ترتب فعلی شهوت و غیر آن

جلسه: ۱۹

سال چهارم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

ادامه بیان حق در مسأله

از بحث مربوط به جمع بین دو آیه ابداء الزینة و استیدان، یک مطلبی باقی مانده که آن را هم عرض می‌کنیم و ادامه بحث در مسأله ۲۶ را دنبال می‌کنیم. گفتیم وجوهی که برای جمع بین این دو آیه ذکر شده، این وجوه عمدتاً مبتلا به اشکال هستند. در میان این وجوه، وجه سوم - براساس ترتیبی که ذکر کردیم - وجهی است که تا حدودی به نظر می‌رسد از سایر طرق و راه‌ها مناسب‌تر باشد و آن اینکه بگوییم یکی از این دو آیه ناظر به مورد عدم ثوران شهوت است و دیگری به فرض ثوران شهوت برمی‌گردد.

اشکال وجه جمع سوم

همانطور که برخی از دوستان در جلسه قبل اشاره کردند، این وجه هم خالی از اشکال نیست؛ بالاخره حمل «لم یبلغوا اللحم» بر معنای عدم اثاره الشهوة، شاید خلاف ظاهر باشد. اینکه بلوغ اللحم را به معنای اثاره الشهوة بگیریم، این با موارد استعمال این واژه در آیات و روایات و چه بسا در لغت سازگار نیست. یا اینکه «لم یظهروا علی عورات النساء» را به معنای عدم اثاره الشهوة بدانیم، این هم به نظر می‌رسد خلاف ظاهر است. اما در عین حال این تفصیل و این وجه جمع از برخی وجوه جمع دیگر مناسب‌تر است.

رجحان وجه پنجم

وجه دیگری که می‌توانیم در اینجا مطرح کنیم، این است که بگوییم اساساً «لم یظهروا علی عورات النساء» همانطور که صاحب جواهر فرموده به معنای لم یقدروا باشد؛ یعنی راه جمع صاحب جواهر را بپذیریم. طبق آن بیان، «الذین لم یظهروا علی عورات النساء» به معنای لم یقدروا علی عورات النساء است. این معنا هر چند برخلاف نظر کثیری از مفسرین است اما بالاخره ظاهر یظهر به این معنا در قرآن استعمال شده است؛ یعنی استعمال یظهروا در هر دو معنا را در قرآن داریم و این یک امر غیرمتعارف نیست. بله، این با آنچه که اهل تفسیر و مفسرین گفته‌اند شاید خیلی همراهی نداشته باشد. اگر بخواهیم یک مقایسه بین این وجوه کنیم، شاید وجه جمعی که صاحب جواهر گفته اقل محذوراً باشد از سایر وجوه. چون تنها مشکل این وجه این است که «لم یظهروا» را چگونه می‌توانیم به این معنا بگیریم که اکثر مفسرین با آن مخالفت کرده‌اند. البته ما قبلاً هم در مورد این آیه که صحبت از موارد استثنا بود، گفتیم اظهر این است که لم یظهروا به معنای لم یطلعوا باشد؛ اما اینجا با توجه به این محذوری که وجود دارد، می‌توانیم ملتزم به همان جمع صاحب جواهر شویم. بر این اساس، بین این دو آیه تنافی وجود ندارد. آیه ابداء زینت به طور کلی می‌گوید زینت‌هایتان را در برابر دیگران آشکار نکنید، مگر این گروه؛ آن وقت یکی از کسانی که استثنا

شده‌اند، اطفال غیربالغ هستند. اطفال غیربالغ به طور کلی استثنا می‌شوند. بنابراین تفاوتی بین ممیز و غیرممیز پیش نمی‌آید. این آیه هم که می‌گوید «و إذا لم يبلغوا الاطفال منكم الحلم»، باید در این اوقات سه‌گانه اجازه بگیرند، معنای این هم روشن است که اطفال غیربالغ در اوقات ثلاثه باید اجازه بگیرند و در غیر این اوقات استیذان لازم نیست برای ورود به همان حریمی که گفته شد. اما اطفال بالغ، الذین يبلغوا الحلم، هم در اوقات ثلاثه و هم در غیر اوقات ثلاثه باید استیذان کنند. آن وقت تنافی بین این آیات پیش نمی‌آید و آنگاه نسبت آن با صحیحه بزنی هم روشن می‌شود؛ یعنی صحیحه بزنی هم چیزی برخلاف این آیات نگفته است و جنبه مقید نسبت به این آیات ندارد، چنانچه مرحوم آقای خویی و برخی دیگر گفته‌اند. بنابراین مشکل برطرف می‌شود.

لذا در بین این وجوهی که ذکر شد، شاید آن وجهی که در جلسه قبل گفتیم و این وجه، بالاخره بهتر از بقیه باشد. اما جمع صاحب جواهر نسبت به آن جمعی که در جلسه قبل ذکر کردیم، اقل محذوراً است. لذا به نظر می‌رسد می‌توانیم به این جمع ملتزم شویم.

دلیل سوم

ما راجع به عدم وجوب تستر برای زن در برابر طفل ممیز به چند دلیل استناد کردیم؛ دو دلیل را ذکر کردیم. دلیل سوم، سیره است. یعنی سیره عملیه بر کشف یا عدم تستر زن در برابر بچه غیربالغ است. این سیره در بین متدینین (نه کسانی که به نوعی اهل مبالات نیستند) رواج دارد. معمولاً زنان اهتمام دارند نسبت به اینکه بپرسند بچه به سن بلوغ رسیده یا نه، این پسر بالغ شده یا نه؛ معمولاً این اهتمام و توجه در بین متدینین و متشرعین وجود دارد و ادعای اتصال این سیره به زمان معصوم(ع) هم ادعای گزافی نیست. ما هیچ دلیل و روایتی برخلاف این نداریم که حضرات معصومین(ع) منع کرده باشند از عدم تستر یا کشف در برابر اطفال ممیز. بله، اینجا بحث ممیز است؛ منتهی عمده بحث این است که تعریف صبی ممیز را قبلاً ذکر کردیم و گفتیم ممیز به چه کسی اطلاق می‌شود. تا اینجا بحث داشتیم درباره صبی غیرممیز و صبی ممیز. اینجا ملاحظه فرمودید که نه نگاه به او اشکال دارد و نه نگاه او اشکال دارد و نه تستر در برابر او واجب است.

بررسی تفصیل امام بین ترتب فعلی شهوت و غیر آن

در متن تحریر امام فرموده‌اند: «و لایجب علیها التستر عنه ما لم يبلغ مبلغاً یترتب علی النظر منه أو إلیه ثوران الشهوة علی الاقوی فی الترتب الفعلی و علی الاحوط فی غیره». حد عدم وجوب تستر در برابر صبی ممیز کجاست؟ امام یک تفصیلی داده‌اند و گفته‌اند حد آن ترتب ثوران شهوت است و این غیر از مسأله بلوغ است؛ بالاخره اگر پای ثوران شهوت به میان آید، ولو به بلوغ هم نرسیده باشد، فتوا می‌دهند به عدم جواز کشف یا لزوم ستر در برابر این صبی. آن کسی که به حد ثوران شهوت می‌رسد را اسمش را مراهق بگذاریم یا حتی ممکن است یک صبی، ممیز باشد و دون المراهق هم باشد اما این تحریک در او ایجاد شود، ولو به حد احتلام نرسد؛ در اینجا می‌فرماید لایجوز. اما اگر ترتب فعلی نباشد، یعنی ثوران شهوت را در آینده ایجاد کند؛ به تعبیر دیگر این عدم تستر شأنیت تحریک را فراهم کند؛ یعنی مآلاً او را به سمت ثوران شهوت بکشاند، بالفعل موجب ثوران شهوت نمی‌شود اما در آینده مآلاً به آنجا خواهد کشید؛ اینجا می‌فرماید علی الاحوط جایز نیست.

سؤال:

استاد: ریبه خودش موضوع یک سری احکام است، حتی در مورد بالغان ریبه، در مورد ریبه مفصلاً بحث کرده‌ایم؛ آقایان معنا

کرده‌اند خوف الافتتان فی الحرام، خوف وقوع در حرام. اینکه او در حرام بیفتد. افتادن در حرام غیر از ثوران شهوت است؛ چون ممکن است در یک کسی ثوران الشهوة بشود اما به حرام هم نیفتد. ... وقوع الحرام منظور غیر از التذاذ است؛ التذاذ فی نفسه خودش موضوع برای حرمت است؛ اینکه لذت ببرد. در مورد نگاه به صبیبه ممیز مسأله تلذذ فی نفسه موضوع برای حرمت است. آنجایی که ریبه است، ریبه یعنی نگاهی که خوف وقوع در حرام در آن هست. این غیر از مسأله لذت است. پس لذت یک چیز است، اینکه یک نگاهی باشد که موجب ارتکاب حرام شود، (یعنی یک حرامی غیر از این) امر دیگری است. استعداد تحریک فرق دارد، نه اینکه این موجب شود که او در حرام بیفتد.

اینجا اساساً باید ببینیم که آیا این تفصیل درست است یا نه. ادله‌ای که ما ذکر کردیم را ملاحظه فرمودید، یکی آیه استیدان بود، دو روایت بود و سیره. ظاهر این ادله این بود که عدم تستر در برابر طفل غیربالغ جایز است؛ یا به تعبیر دیگر تستر در برابر طفل غیربالغ لازم نیست. این مسأله اثارة الشهوة و آن هم تفصیل بین ترتب فعلی و ترتب شأنی یا غیر این فرض، به چه دلیل است و از کجا ناشی شده است؟

اینجا در مورد جایی که بالفعل اثارة الشهوة داشته باشد و موجب تحریک شود، ولو غیربالغ، بعید نیست - چنانچه بعضی گفته‌اند - که بالاخره یقین داریم شارع مقدس لایرضی ببعض الامور مطلقاً. بعضی چیزها را شارع اصلاً نمی‌پسندد از ناحیه بالغ باشد یا غیربالغ، مثل شرب خمر. می‌دانیم که شرب خمر مورد پسند شارع نیست که حتی غیربالغ انجام بدهد؛ قبیح آن بر همگان به نحوی که شامل غیربالغ هم شود، امر روشنی است. یا مثلاً لواط که به عنوان یک عمل حرام در مورد مکلفین ثابت است، اما این یک امری است که می‌دانیم شارع نسبت به غیربالغین هم راضی نیست که این کار انجام شود. به هر طریقی، راهها و طرق وقوع چنین حرام‌هایی را می‌خواهد سد کند. یا مثلاً زنا؛ اینها از آن اموری است که ما یقین داریم. در این بین، مسأله عدم تستر زن در برابر طفل به نحوی که او گرفتار شهوت شود و تحریک شود و این هیجانات در او ایجاد شود، خود این حصول الشهوة و ایجاد الشهوة چیزی است که می‌دانیم با مذاق شارع سازگار نیست. شارع نمی‌پسندد که ولو یک طفل غیربالغ درگیر این امور شود و زمینه‌های آن در او فراهم شود و طبیعتاً اگر این شهوات در او تحریک شود، ممکن است بعد البلوغ او را به مسائلی اشد از این بکشاند. لذا برای اینکه آن گرفتاری برای او پیش نیاید، باید راهش را سد کنند؛ و راهش هم این است که زن در برابر چنین اطفالی که رفتار او ممکن است منجر به تحریک شهوت در آنها شود، خودش را بپوشاند. یعنی این هدف با تستر حاصل می‌شود.

اگر این ملاک مدنظر باشد، حتی عدم لزوم ستر در وجه هم می‌تواند چنین چیزی را ایجاد کند. یعنی مثلاً بگوییم آنجا مردی که با شهوت نگاه می‌کند و عدم تستر موجب تحریک می‌شود و التذاذ ایجاد می‌کند، پس زن هم باید خودش را در برابر او بپوشاند؛ چون این مقدمه کار حرام اوست. اگر قرار باشد با این استدلال بخواهیم عدم جواز را ثابت کنیم، در خیلی از موارد این چنین است. یک وقت یک مورد خاص که در معرض قرار گرفته و می‌داند دارد تعمداً نگاه می‌کند؛ آنجا ممکن است بگوید بپوشاند. ولی یک کسی علم دارد که اگر خیابان برود این اتفاق می‌افتد، آیا باید خودش را بپوشاند؟ ...

ما می‌خواهیم این را عرض کنیم که از نظر دلیل، دلیل محکمی بر لزوم تستر در برابر صبی ممیز ولو موجب تحریک شهوت در او شود، در او نداریم؛ اما با توجه به این نکاتی که گفته شد که بالاخره مذاق شارع این است، راه‌هایی که برای دیگران می‌تواند

موجب وقوع چنین مسائلی شود و طفل را در آینده گرفتار این بیماری تحریک شهوت و التذاذ کند، احوط آن است که جلوی آن گرفته شود. ... چون فتوای مشهور هم همین است، ما در اینجا که امام می‌فرماید اقوی در ترتب فعلی آن است که تا مادامی که به حد اثاره الشهوة نرسیده، تستر واجب نیست، اما اگر به این حد رسید، اقوی این است که خودش را بیوشاند؛ ما در اینجا نظیرمان این است که باید بگوییم احوط، در اینجایی که امام فرموده اقوی آن است که در ترتب فعلی، تستر لازم است. در آن فرضی که امام فرموده «و علی الاحوط فی غیره»، به نظر ما جای این احتیاط نیست؛ یعنی اینکه ما بگوییم عدم تستر زن در برابر طفل ممیز که موجب تحریک فعلی او نمی‌شود و شهوت را در او بالفعل تحریک نمی‌کند، اما ممکن است در ذهن او آثاری بگذارد و خاطراتی در ذهن او ایجاد کند که در آینده منتهی شود به چیزهایی و کارهایی که درست نیست یا مثلاً او عادت کند. واقع این است که این دلیل قابل قبولی نیست؛ بله، احتیاط فی کل حال حسن و احوط استحبابی عیبی ندارد برای همین منظور؛ اما اینکه بخواهیم احتیاط وجوبی کنیم در همه اطفال که ترتب فعلی ایجاد نمی‌کند اما این شأنیت را فراهم می‌کند که بعداً منتهی به آن شود، بالاخره این نه تنها در مورد پوشش نسبت به مواضع زینت بلکه حتی در مورد وجه هم ممکن است ایجاد کند؛ اگر مسأله عادت است، ممکن است به وجه زنان هم عادت کند که نگاه کند، لذا باید وجه هم پوشیده شود. واقع این است که در ترتب شأنی در مواردی که استعداد تحریک شهوت را فراهم می‌کند، زمینه تحریک شهوت را فراهم می‌کند، به نظر نمی‌آید که بتوانیم حکم به وجوب تستر بدهیم ولو احتیاطاً. لذا به نظر ما این فرمایش امام در اینجا محل اشکال است. لذا بهتر این است که حاشیه‌ای داشته باشیم. مسأله ۲۶ این بود: «يجوز للمرأة النظر إلى الصبي المميز ما لم يبلغ»، نگاه به بچه ممیز تا مادامی که بالغ نشده جایز است. این راجع به نظر زن بود. «و لا يجب عليها التستر عنه ما لم يبلغ مبلغاً يترتب على النظر منه أو إليه ثوران الشهوة»، تا اینجا هم مشکلی نیست. «علی الأقوی فی الترتب الفعلی»، ما در اینجا می‌گوییم به جای اقوی باید بگوییم احوط. اینکه ایشان فرموده «و علی الأحوط فی غیره»، به نظر ما لا وجه للاحتیاط الوجوبی فی غیره. در جایی که استعداد تحریک و اثاره الشهوة را فراهم می‌کند، به نظر ما جایی برای احتیاط وجوبی نیست. بله، و علی الاحوط الاولى یا احوط استحبابی فی غیره، این اشکالی ندارد.

کلام محقق خوئی

البته اینجا مرحوم آقای خوئی غیر از آن نکته‌ای که گفته شد که نوعاً به همین استناد کرده‌اند برای عدم جواز کشف در برابر صبی ممیز اگر منجر به اثاره الشهوة شود، یک چیز دیگر هم ایشان اضافه بر این ذکر کرده است. ایشان می‌گویند مقتضای آیه «أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورات النساء» این است که از مطلق ممیز باید تستر حاصل شود؛ یعنی زن خودش را در برابر ممیز، چه موجب اثاره الشهوة بشود و چه نشود، یعنی چه نظر او با شهوت باشد و چه نباشد، خودش را باید بیوشاند؛ چون «لم یظهروا علی عورات النساء» فقط غیر ممیز را خارج می‌کند. بعد می‌گویند صحیحه بزنی یا دو صحیحه بزنی در مقابل اطلاق این آیه موجب شد که ما یک مواردی را خارج کنیم. مفاد صحیحه بزنی صرفاً درباره نگاه بدون شهوت است؛ در آنجایی که می‌گویند لا تغطي المرأة شعرها یا رأسها در برابر صبی غیر بالغ، بحث شهوت مطرح نیست. ایشان این را بر این اساس می‌گویند که بالاخره وقتی می‌گویند نگاه می‌شود کرد یا نه، امام هم به حسب حال طبیعی جواب داده‌اند، نه اینکه کسی با قصد سوء در حال نگاه کردن باشد. پس از اطلاق آیه ابداء زینت و استثناء آن، آنچه که خارج می‌شود نظر من دون شهوة

است؛ ستر در برابر نظر بدون شهوت استثنا می‌شود، اما نظر مع الشهوة تحت عموم منع باقی می‌ماند. لذا ستر در برابر این نظر کماکان واجب است. وجهی که مرحوم آقای خوئی در اینجا ذکر کرده‌اند برای این تقیید و برای حدی که مرحوم سید در عروه ذکر کرده، این است.^۱

بررسی کلام محقق خوئی

طبیعتاً با توجه به توضیحاتی که دادیم، این استدلال قابل قبول نیست؛ چون اصل وجوب تستر عن مطلق الممیز زیر سؤال است؛ تستر از بالغ لازم است و نه از غیربالغ.
سؤال:

استاد: بله، به این معنا که می‌گوییم ادله عامه یا عموم ادله اقتضای منع می‌کند. آن چیزی که از این دلیل و عام خارج شده، نظر من غیر شهوة است. بنابراین نظر مع الشهوة تحت عموم منع باقی می‌ماند. ... با توجه به آن مطالبی که گفتیم اشکال این سخن هم روشن می‌شود. ایشان در واقع می‌خواهد بگوید در برابر نظر مع شهوة تستر زن واجب است. ... می‌گوید مسأله تستر در برابر نظر مع شهوة است؛ آنجاست که لازم است ... بعد از برخوردش با صحیحه بزنتی. ... ظاهرش این است که مطلق می‌گوید ... قدر متیقن از نظر ... آنجا هم این بحث را داشتیم که در مورد اینکه رجل نظر به صبیحه کند اذا لم یکن فیہ تلذذ، آنجا هم گفتیم دلیلش «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم» است. عمده چیزی که اینجا وجود دارد آن است که ... آقای خوئی آنجا می‌گوید این امر به غض بصر که در این آیه آمده، «الذین هم لفروجهم حافظون» اینها در واقع می‌خواهد بگوید که مرد هیچگونه استماع جنسی نباید داشته باشد و این مطلق است و همه را دربرمی‌گیرد. بنابراین هرگونه استماع از ناحیه مرد نسبت به زن، ممنوع است؛ الا در موارد خاص. در مورد صبیحه هم دلیل ایشان همین است؛ می‌گوید مرد نمی‌تواند به صبیحه نگاه کند مع التلذذ، به این دلیل. ولی این اشکال دارد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. کتاب النکاح، ج ۳۲، ص ۷۱.